درباره سیدمیرحسن ارژنگ‌نژاد مجسمه‌ساز نامدار مشهدی که یادگارهایش در شهر زنده‌اند و نفس می‌کشند

بدرود پدر خاطره‌های برنزی مشهد

طوبی اردلان

هم‌زمان با غروب روز سه‌شنبه بود که آفتاب عمر استاد سیدمیرحسن ارژنگ نژاد (به اختصار حسن ارژنگ خوانده می شد) هم غروب کرد؛ یکی از چهره‌های بنام هنر مجسمه‌سازی ایران که آشنایان، او را به عنوان یکی از پیشگامان هنر مجسمه سازی ایران واز پیشکسوتان «هنر شهری» می شناسند. مردی که یک قرن و یک سال در این جهان باقی بود تا فرصت هنرنمایی بیشتری داشته باشد برای خلق یادگارهایی که این روزها حکم نوستالژی و نمادهای خاطره‌ساز را برای بسیاری از ایرانیان دارد. از او ماندنی های بسیاری در شهرهای مختلف ایران وجود دارد اما در زادگاهش مشهد، چندین طرح درانداخته است که دهه ها پس از این باقی، زنده و محترم هستند. سطرهای بعدی، یادی است از آثار او در مشهد.

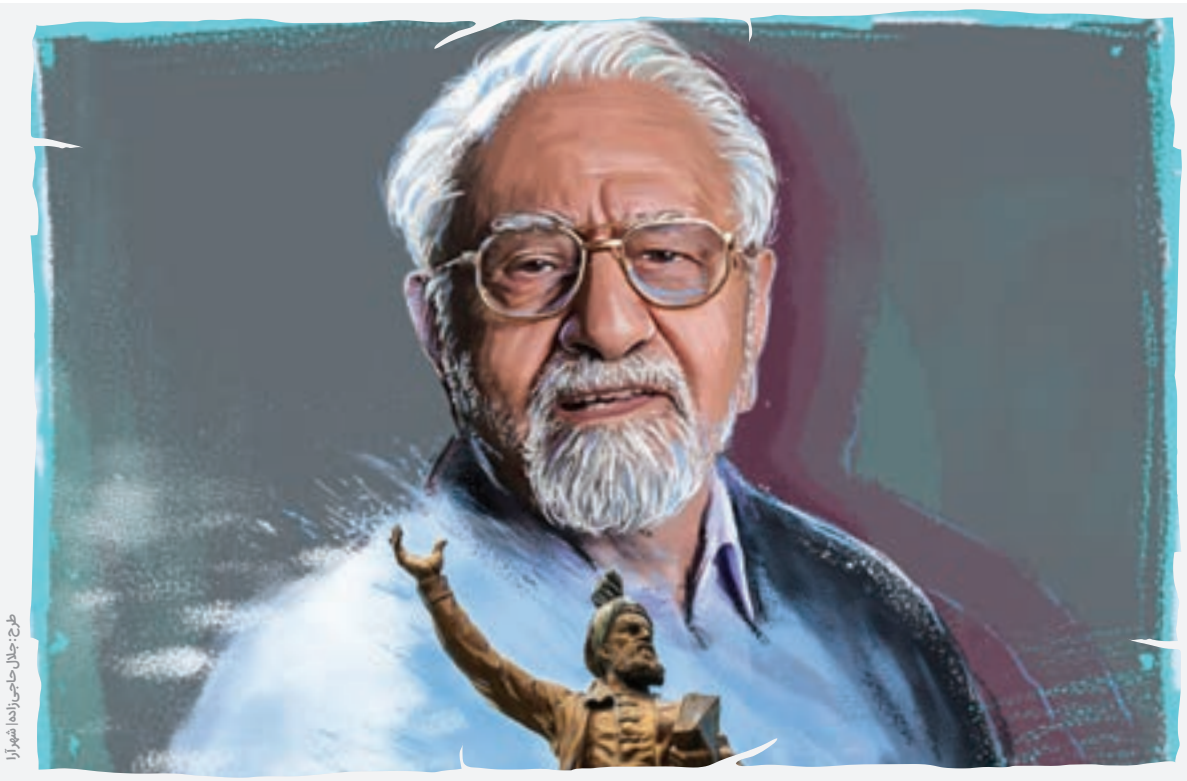
طرح: جلال حاجی‌زاده/ شهرآرا

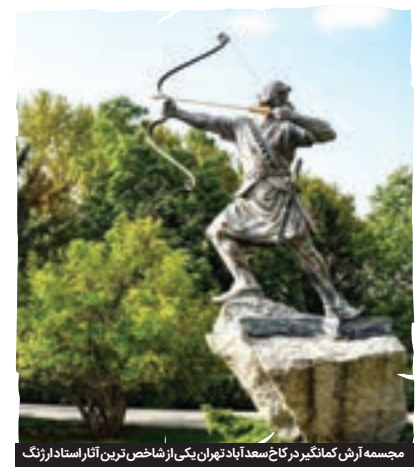
مجسمه آرش کمانگیر در کاخ سعدآباد تهران یکی از شاخص‌ترین آثار استاد ارژنگ

استاد حسن ارژنگ از زبان خودش

متولد ابتدای قرن ۱۴ بوده است در مشهد، اما آن طور که خودش در گفت‌وگویی که دو سال پیش با او داشتیم، بیان کرده بود، نسبت اجدادش به بلاد باکو در آذربایجان می رسید که بعدها به ایران کوچانده شده بودند. دانش آموز مدرسه عنصری مشهد بوده اما پس از فوت پدر و مادرش ترک تحصیل می کند و به تهران می رود تا در کارگاه مجسمه‌سازی پسرخاله‌اش، غلامرضا رحیم‌زاده ارژنگ، شاگردی کند. مدتی بعد از کوچ به تهران دوباره سر نیمکت مدرسه می نشیند تا سال ها بعد بشود دانشجوی رشته نقاشی و مجسمه سازی در دانشگاه کیف شوروی سابق؛ «بعدها برای کسب تجربه بیشتر به ترکیه، لبنان و اروپا سفر کردم. آن سال ها در آنکارا پسرخاله‌ای به نام عابدین ایتیل داشتم که پروفسور زبان های کهن بود. از طریق او پایم به دانشگاه آنکارا باز شد و در کلاس های رشته مجسمه سازی آنجا به صورت مستمع آزاد شرکت کردم. پس از آن به فرانسه و ایتالیا رفتم. در فرانسه به کلاس های دانشگاه بوزار پاریس می رفتم که دانشگاه هنری بسیار معروفی بود. در ایتالیا هم دو کارخانه خیلی معروف ریخته گری و مجسمه سازی بود که یکی از کارهای مهمشان، این بود که ماکت هر مدلی را در هر اندازه‌ای که می خواستید، بزرگ می کردند، به آنجا دادند که در این ابعاد بزرگ شد. نخستین کارم را که ساخت یک مادیان با کره‌اش بود، به سفارش دکتر میمندی نژاد برای دانشکده دام پزشکی تهران انجام دادم و بعد از آن، همان طور که تجربه ام در ساخت مجسمه بیشتر شد، سفارش کارها هم افزایش پیدا کرد.»

ساخت مجسمه میدان فردوسی

مشهدی ها، فرقی ندارد زائر باشند یا مجاور، هرکسی گذرش به میدان فردوسی مشهد افتاده، نخستین چیزی که توی چشمش نشسته، مجسمه حکیم ابوالقاسم است با یک دست بر افراشته بر آسمان و شاهنامه‌ای در بغل. قدیمی ترین تندیس نصب شده از حکیم توس در شهر به سال ۱۳۳۸ خورشیدی، درست وقتی که استاد ارژنگ سی و هشت ساله بوده است. او خود پیش تر در مصاحبه‌ای که دو سال پیش با او انجام داده بودیم، درباره ساخت و نصب این مجسمه این طور گفته بود: «ما (حسن ارژنگ و پسرخاله‌اش غلامرضا رحیم‌زاده ارژنگ) مجهزترین کارگاه برنزریزی و ریخته گری را در تهران داشتیم که آن را با آوازه‌ای خوش از کارهایمان همراه کرده بودیم. معمول کار این بود که سفارش ها را غلامرضا رحیم زاده ارژنگ می گرفت و ما آن سفارش را به صورت گروهی در کارگاه می ساختیم. مجسمه میدان فردوسی را رحیم زاده از شهرداری مشهد سفارش گرفت. برای همین هم اسم و امضای رحیم زاده در پایین پای مجسمه حک شده است، اما کار گروهی انجام شد. طرح ماکت مجسمه را من کشیدم و با همکاری غلامرضا رحیم زاده و اسماعیل ارژنگ (پسر غلامرضا رحیم زاده ارژنگ) آن را از جنس برنز و ۵ متر ارتفاع ساختیمش.»

روایت ساخت سردیس های پارک ملت

اما اگر گذرتان به پارک همیشه سبز ملت مشهد افتاده باشد و توانسته باشید در آن برای ساعتی قدم بزنید، حتما نیم پیکرهای مشهور سینه ستبر کرده آن را هم دیده اید. یادگارهای شهری ارژنگ به ساخت مجسمه فردوسی خلاصه نمی شود و او در اواخر نیمه اول قرن چهاردهم، سردیس های واقع در پارک ملت را هم به سفارش شهرداری مشهد می سازد، سردیس هایی که احوال ناخوششان در این سال ها، سبب دل شکستگی این هنرمند شده بود. او دو سال قبل در مصاحبه‌ای که با او انجام داده بودیم، درباره ساخت سردیس های پارک ملت چنین گفته بود: «ساخت سردیس ۱۲ تن از مشاهیر را حوالی سال ۱۳۴۵، از شهرداری مشهد سفارش گرفتم که تعدادی خراسانی و برخی هم اهل سایر نقاط ایران بودند. پیش از چهره نگاری و ساخت ماکت، مطالعه‌ای چندماهه را شروع کردم تا بتوانم براساس نژاد هر چهره، دوره زیست و جغرافیایی که در آن زندگی می کرده اند، فرم صورت و حتی لباس آنان را بازسازی کنم. برای همین این کار برایم با زحمت شیرینی همراه بود و من همه آن سردیس ها را دوست داشتم، ولی متأسفانه شهرداری مشهد در سال های گذشته بارها و بارها این مجسمه ها را بدون توجه به جنس و نوع کار، رنگ آمیزی کرده است. ابتدا به این کار اعتراض کردم و گفتم که می توان این رنگ ها را با پیک که شعله کم جانی دارد و از آن برای بردن رنگ از روی مجسمه استفاده می شود، پاک کنند، اما بعدتر شنیدم که با یک برس سیمی به جان مجسمه ها افتاده اند و این باعث شده است سردیس ها خط خطی شوند. بسیار از این اتفاق دل شکسته شدم، زیرا آن مجسمه ها با همین جنس برنزشان زیبا هستند و حتی اگر زنگ بزنند، باز هم آسیب نمی بینند. همچنین در آن زمان که کمتر کسی در ایران برنزریزی حرفه‌ای مجسمه انجام می داد، من به تنهایی و در سنین جوانی این کار را انجام دادم. نکته مهم دیگر این است که این کار شهرداری باعث از بین رفتن «تاش» های روی مجسمه ها شده است. تاش در اصطلاح اثر انگشت یا امضایی است که هنرمند از خودش روی کار باقی می گذارد تا آن را شناسنامه دار کند.» ارژنگ در پایان آن مصاحبه خواست که بنویسم باید حتما به وضعیت مجسمه های پارک رسیدگی شود، وگرنه دیگر نمی توان از آن با عنوان اثری هنری یاد کرد و این تعداد اندک از باقی مانده های هویت شهری هم به سرنوشت از بین رفته بسیاری از آثار، خانه ها و در کل، تاریخ و هویت شهرمان دچار خواهد شد.

ابوعلی سینا

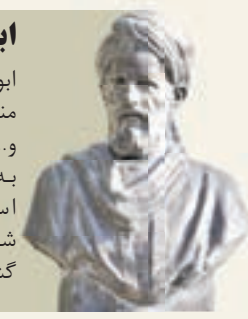

ابوعلی سینا پزشک، دانشمند، فیلسوف، منجم، نویسنده، ریاضی دان، شیمی دان و... بزرگ قرن چهارم هجری و مشهور به ابن سینا، پورسینا و شیخ الرئیس است. این دانشمند ایرانی در یکم شهریور سال ۳۵۹ چشم به جهان گشود.

ابوریحان بیرونی

متولد سوم ذی حجه سال ۳۶۲ هجری قمری در اطراف کاث خوارزم بوده است. او جزو اولین کسانی است که برای یافتن وزن مخصوص اجسام، وقت زیادی گذاشت. ابوریحان در زمینه فلسفه، ریاضیات، تقویم، جغرافیا، تاریخ و دیگر علوم عصر خود، سرآمد دانشمندان و اندیشمندان عصر بود.

خواجه نظام الملک طوسی

دانشمند و نویسنده قرن پنجم و وزیر نامدار دوره سلجوقی است. هنگامی که ۳۲ سال داشت، دست به ایجاد مدارسی زد که به نظامیه مشهور است. ایجاد آب انبار، گرمابه، بازار و بیمارستان ها از دیگر خدمات اوست که قرن پنجم را به شکوفاترین قرون فرهنگی اسلام تبدیل کرد.

ابومسلم خراسانی

او را رهبر نهضت ضد امویان می دانند. مشهور است که او در سال ۱۲۹ هجری با شعار «الرضا من آل محمد» علیه بنی امیه قیام کرد، به همین دلیل تعدادی از شیعیان با او همکاری کردند. قیام ابومسلم از مرو آغاز شد و به خلافت سلسله بنی عباس و کشته شدن مروان بن محمد، آخرین خلیفه اموی، در مصر انجامید.

خواجه نصیرالدین طوسی

محمد بن محمد بن حسن، مشهور به خواجه نصیرالدین طوسی، در جمادی الاول سال ۵۹۷ هجری قمری در طوس به دنیا آمد. او در کودکی قرآن کریم، صرف، نحو و آداب را فرا گرفت، سپس با راهنمایی پدرش، مقدمات ریاضیات و فقه و حدیث را آموخت. خواجه نصیر را احیاگر فلسفه و مبتکر روش فلسفی در کلام شیعه می دانند.

محمدبن عبدالرزاق طوسی

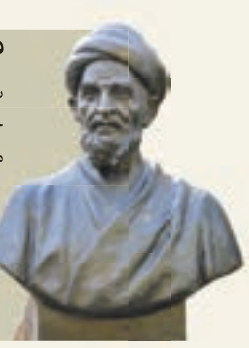

سپهسالار مشهور خراسان در دوره سامانی، حاکم طوس و نیز بانی شاهنامه‌ای منثور، معروف به شاهنامه ابومنصوری است. برابر نسب نامه‌ای که در «مقدمه شاهنامه ابومنصوری» برای ابومنصور آورده اند، او به اسپهبدان دوره ساسانی و از آنجا به پادشاهان پیشدادی نسب می برد.

رودکی سمرقندی

ابوعبدا... رودکی سمرقندی، زاده اواسط قرن سوم هجری قمری است. رودکی را نخستین شاعر بزرگ پارسی گوی و پدر شعر پارسی می دانند. وی در دربار امیر نصر سامانی بسیار محبوب شد و ثروت بسیاری به دست آورد اما در اواخر عمر به زادگاهش بنجرود بازگشت و در همان جا به سال ۳۲۹ هجری قمری درگذشت.

حکیم ابوالقاسم فردوسی

خالق شاهنامه و زنده کننده زبان پارسی شاعر و حماسه‌سرای قرن چهارم در روستای پاژ خراسان به دنیا آمده است. سیدحسن امین عاملی معتقد است اسلوب و روش به شعر درآوردن شاهنامه از قرآن گرفته شده است. فردوسی در شاهنامه بارها سخن از فرهنگ آورده و به دنبال پیوند فرهنگ ایران پیش و پس از اسلام با یکدیگر بوده است.

یعقوب لیث صفار

رادمان ماهکان معروف به یعقوب لیث بنیان گذار سلسله صفاریان بود که از زنج را به عنوان پایتخت برگزید. او زبان فارسی را به عنوان زبان رسمی ایرانیان به رسمیت شناخت و از آن حمایت کرد و توانست در دوران حکومتش، کشورهایی مانند افغانستان، ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان و غرب پاکستان را فتح کند.

نادرشاه افشار

پایه‌گذار سلسله افشار است. سرکوب شورشیان افغان و بیرون راندن عثمانی و روسیه از کشور و تجدید استقلال ایران و نیز فتح دهلی و ترکستان و جنگ های پیروزمندانه او سبب شهرت بسیارش شد. او را ناپلئون آسیایی یا ناپلئون ایرانی و آخرین فاتح بزرگ آسیای میانه می دانند.

نصربن احمد سامانی

در هشت سالگی بر تخت شاهی نشست. امیر نصر مانند پدر و اجداد خود اهل دانش و شعر دوست بود و در ترویج و توسعه زبان و ادبیات فارسی خدمات شایانی کرده است. می گویند او امیری بود نیکوخصال، بردبار، دلیر و با متانت و با تدبیر و کاردانی، دشمنانش را مطیع خود ساخت یا نابود کرد.

اشک اول

فرمانروایی اشکانی به وسیله ارشک و برادرش تیرداد در سال ۲۴۷ قبل از میلاد در نواحی شمالی پرثوه بنیان گذارده شد و حدود ۵۰۰ سال دوام پیدا کرد. در این برهه از زمان بیش از ۴۰ پادشاه از خانواده اشکانیان بر تخت سلطنت جلوس کردند که بنیان گذار آن ارشک اول (اشک اول) نام دارد.

ایران نامه

مسجد خسروشیر؛ بازمانده‌ای از روزگار رونق جوین

هادی دقیق

از اولین روزهای پا گرفتن دین اسلام، مسجد پایگاه اصلی مسلمانان بوده و رفته رفته با گسترش اسلام در ایران، جایگاهی ویژه در معماری ایرانی اسلامی به دست آورده است. مساجد تاریخی ایران کم نیستند و خراسان نیز در این میان، نمونه هایی از این سنت معماری را دارد که از قضا استثنایی هستند و ویژگی های خاصی دارند که در این سبک معماری گل کرده اند. همین یک نکته از محمد کریم پیرنیا در کتاب «معماری اسلامی ایران» گواهی بر این مدعاست: «نشان مسجد دو ایوانی را بی هیچ گفت و گو از سده هفتم در دست داریم. خوشبختانه دو ایوان مسجد زوزن هنوز برپاست و پس از آن مسجد فریومد را می بینیم که دو ایوانی ساخته شده است. شگفتا که این گونه مسجد فقط در خراسان دیده می شود...» دو مسجدی که پیرنیا از آن ها یاد می کند، یکی در خواف است و دیگری در نزدیکی داورزن سبزوار، اما در استان سمنان. البته این دو، نماینده خوش ساخت و تقریبا سرپای این سبک هستند، یکی دیگر از مساجدی که شکوه این سبک را فریاد می زند، مسجد خسروشیر است که به نمونه فریومد هم شبیه است. مسجد خسروشیر که با نام منار مسجد هم شناخته می شود، در شهرستان جغتای و شمال سبزوار، در فاصله دویست کیلومتری روستایی به همین نام قرار دارد.

جایگاه دشت جوین در خراسان

امروز فقط بخشی از مسجد خسروشیر از گزند گذشت زمان و بلایای طبیعی و انسانی در امان مانده است، اما همین هم شکل زندگی و رفتار پیشینیان را برای ما مشخص می کند و چه بسا قدم گذاشتن در فضای آن هم جوسنگین و باربی امان پیوند با گذشتگان را تداعی کند. منطقه جوین و سبزوار از دوره تاریخی جزو قلمرو پارتیان بوده است. وجود آتشکده خانه دیوموسوم به آذربرزین مهر هم اهمیت تاریخی و مذهبی منطقه را از دوره تاریخی نشان می دهد.

دشت جوین از دیرباز در مرکز توجه بوده است و امروز نیز راه آهن سراسری مشهد به تهران از میان این دشت عبور می کند. وجود رشته کوه های شمال و جنوب دشت، آب و هوای معتدلی به منطقه داده و منابع آب این دشت نیز بر فزونی جمعیت آن در دوران مختلف بی تأثیر نبوده است، به شکلی که یاقوت حموی در اوایل قرن هفتم قمری، تعداد روستاهای منطقه را نزدیک به دویست روستا برشمرده است. در دوره ایلخانی اهمیت دشت جوین دوچندان شد. نام جغتای بر دشت جوین و کوهی که در جنوب منطقه است، حضور مداوم ایلخانیان را تأیید می کند. البته حضور خاندان جوینی نیز بر اهمیت منطقه تأثیرگذار بوده است.

تاریخ و هنر منار مسجد

جاده جوین به جاجرم در مرز خراسان رضوی و شمالی، ما را به روستای خسروشیر می رساند. منار مسجد یا همان مسجد خسروشیر در ۲۷ مرداد ۱۳۷۷ ثبت ملی شده است. در دویست متری شمال روستا و میان مزارع اهالی روستا، زمینی مربع شکل است که حریم مسجد تاریخی را مشخص می کند. در میانه این حریم، بقایایی آجری از دور دیده می شود که چشم مخاطب تاریخ و بناهای تاریخی را خیره می کند. اما هرچه نزدیک تر شویم، این خیرگی در چیرگی بنا محو و سراسر به تماشا تبدیل می شود. آنچه از این بنا به جا مانده، دیوارهای قطور ایوانی بلند است که از رونق احتمالی مسجد در قرن سوم تا دهم قمری حکایت می کند. ایوانی که سقفش فروریخته است، اما دیوارهای بلند ۱۰ متری آن هنوز نشان می دهد که روزی بانگ مؤذن در سرای مسجد می پیچیده و مسلمانان را به ادای فریضه دینی فرامی خوانده است. ایوان بازمانده به سوی شمال شرق است، یعنی احتمالا انتهای این ایوان که به سمت قبله و جنوب غرب بوده، محل تجمع نمازگزاران بوده است. در دو سوی دیوارهای ایوان دو ورودی تعبیه شده است. این ورودی ها به شبستان هایی می رسیده که امروز کامل با خاک یکسان شده است. اما تزیینات گچ بری هندسی و اسلیمی که هنوز بر ورودی های طاق های جناغی شبستان دیده می شود، نشان دهنده این است که روزی در این شبستان بروبیایی بوده است. چند کتیبه هم هنوز بر دیواره های بنا مانده است، اما همگی نصفه نیمه فروریخته اند. بنا به گزارش ثبت اثر، به گفته پیرسالان و ریش سفیدان روستا، تقریبا هفتاد سال پیش، مناره آجری مدوری در جلو شبستان مسجد وجود داشته که تخریب شده است. دلیل نام گذاری بنا به منار مسجد نیز شاید همین بوده است. باستان شناسان ظروف سفالی و عناصر تزیینی بنا را که بر اثر حفاری قاچاق و مرور زمان در محوطه پراکنده شده است، بررسی کرده اند. شواهد حاکی از آن است که این منطقه از قرن سوم قمری تا دوره صفوی جزو مناطق جمعیتی دشت جوین بوده است. سبک معماری، نوع نگارش کتیبه ها و تزیینات گچ بری، این بنا را به دوره ایلخانی نسبت می دهد، اما با وجود تزیینات آجرکاری زیر لایه های گچ بری ایلخانی، می توان قدمت مسجد را عقب تر برد. در نهایت احتمالا بنا در قرن هفتم پا گرفته و بنا به دلایلی در قرن هشتم قمری بازسازی شده است. از ویژگی های منحصر به فرد مسجد خسروشیر، تزیینات گچ بری نفیس و پی سنگی بناست. همچنین کتیبه ای گچی که دور تا دور پاکار قوس ایوان را دور می زند و شامل آیاتی از قرآن به خط نسخ است که با نقوش اسلیمی در میان آن پر شده است. با وجود ارزندگی منار مسجد، این بنا هم از شر حفاری های غیرمجاز و طالبان گنج در امان نبوده و فرسایش طبیعی و سیلاب های فصلی هم بر تخریب بنا افزوده است. در نهایت جا دارد از این اثر ویژه دشت جوین بیشتر پاسداری شود تا یکی از ارزشمندترین آثار تاریخی منطقه با فراموشی ما و سنگینی دست طبیعت از بین نرود.